

درس هشتاد و هشتم – با جا به جای اشکال در یک جمله ، منظور خودمان را نیز تغییر دهیم

سلام دوستان ، در این درس می خواهیم با هم یاد بگیریم چگونه با جا به جای یا تغییر اشکال در یک جمله ، منظور خودمان را نیز تغییر بدهیم.

در زبان فارسی معمولا ما با تغییر دادن تن صدا و یا شدت بخشیدن به یک بخش از جمله ، منظور خودمان را بیان می کنیم، مثلا اگر بخواهم یک جمله را به صورت عادی و معمولی بگویم ، اینگونه عمل میکنم :

آن کیف من نیست

اما اگر حال بخواهم تاکید بر جمله داشته باشیم که این اصلا کیف من نیست ، آنگاه از (اصلا) استفاده میکنم یا اینکه در زبان عامیانه گاهی اینگونه نیز می گوئیم : بابا این اصلا کیف من نیست.

حال چگونه می شود این نوع جملات را در زبان آلمانی بیان کرد ؟

به مثال زیر توجه کنید :

Das ist nicht **meine Tasche**

آن کیف من نیست

Meine Tasche ist das nicht

آن اصلا کیف من نیست!

فرض کنید : ما دنبال کیف خودمان هستیم و یکی بگوید که این کیف توست و ما بخواهیم تاکید کنیم که آن کیف ، کیف ما نیست ، آنگاه در زبان آلمانی می بایستی جایگاه کیف من را عوض کنیم و به اول جمله بیاوریم.

با آوردن **Meine Tasche** در ابتدای جمله ، یعنی **تاکید** ما بر روی **Meine Tasche** است و در فارسی (اصلا کیف من) و بعد دیگر اشکال جمله به ترتیب اضافه می شود. و میدانیم که پس از آن حتما باید فعل جمله آمده باشد.

Meine Tasche ist اصلا كيف من

و همچنين ميدانيم بعد از فعل بايد ضمير بيايد كه در اینجا das ضمير ماست.

Meine Tasche ist das اصلا آن كيف من

و در نهايت اگر جمله منفي بود nicht مي آيد.

Meine Tasche ist das nicht اصلا كيف من نيست.

با تغيير مكان اسم توانستيم تاكيدى بر آن داشته باشيم و منظور خودمان را به شكل ديگري بيان كنيم.

Ich habe es nicht böse gemeint

من منظور بدى نداشتم.

Böse habe ich es nicht gemeint

من اصلا منظور بدى نداشتم

اى بابا اصلا منظور بدى نداشتم

صفت böse را به ابتدای جمله آوردیم و بر روی آن تاكيد كردیم.

نکته : در زبان آلمانی هرگاه چیزی را به ابتدای جمله می آوریم ، یعنی تاكيد ما به روی آن است ، مثلا در مثال های بالا اسم و صفت را به ابتدای جمله آوردیم و تاكيدى بر روی آنها كرديم كه در فارسي جای اين تاكيد را (اصلا) گرفت.

پس تا اينجای درس متوجه شدیم كه ما در زبان فارسي با تن صدا يا نوع ادا كردن جمله ، منظور خودمان را به طرفمان

میرسانیم ، اما در زبان آلمانی با جا به جا کردن اشکال جمله و آوردن آن به ابتدای جمله

حال اگر بخواهیم جملاتی تاکیدی بگوییم و جمله از دو بخش تشکیل شده باشد آنگاه باید به سر وقت **sondern** برویم.

مثلا در فارسی می گوییم : **نخیر** ما امروز به سینما نمیرویم ، **بلکه** به تئاتر میرویم.

Wir gehen heute nicht ins Kino, **sondern** ins Theater

ما امروز به سینما نمیرویم ، **بلکه** به تئاتر میرویم

در واقع وقتی **nicht** به همراه **sondern** در جملات ما بیاید یعنی **نه تنها** اینجوری نبود **بلکه** جوری دیگری بود!

Sie zahlte nicht bar, **sondern** überwies den Betrag

او (مونث) نقد پرداخت نکرد ، **بلکه** آن مبلغ را واریز کرد

یعنی : نه تنها نقد پرداخت نکرد ، بلکه آن مبلغ را واریز کرد

Das ist nicht grün, sondern blau

این سبز نیست ، بلکه آبی است.

زمانی هست که ما می خواهیم تاکیدی بر منفی بودن یک بخش از جمله داشته باشیم ، مثلا بگوییم : نخیرم ، مرتضی آنرا انجام نداد ، بلکه عرفان آنرا انجام داد!

در این حالت می بایستی **nicht** را به ابتدای جمله بیاوریم و تاکیدی بر بخش اول جمله کنیم و بخش دوم را با **sondern** شروع کنیم.

Nicht er hat es getan, **sondern** sie

نخیرم ، نه تنها او (مذکر) آنرا انجام نداد ، بلکه او (مونث) انجام داد!

چند مثال دیگر در ارتباط با nicht و sondern :

Er wusste nicht nur viel, sondern alles darüber
او نه تنها خیلی نمیدانست ، بلکه همه چیز را در آن مورد میدانست.

Er reiste nicht nach Köln, sondern nach Berlin
او به سمت شهر کلن مسافرت نکرد ، بلکه به برلین مسافرت کرد.

Er war nicht betrunken, sondern ganz nüchtern
او مست نبود، بلکه کاملاً به هوش بود.

Die Perle ist nicht echt, sondern nur eine Nachahmung
این مروارید اصل نیست، بلکه فقط یک بدل است.

Albert Einstein: Weisheit ist nicht das Ergebnis der Schulbildung, sondern des lebenslangen
Versuchs, sie zu erwerben
آلبرت اینشتن: دانایی نتیجه تحصیل در مدرسه نیست، بلکه (حاصل) عمری تلاش برای به دست آوردن آن است.

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، سوال ، مثال یا نظری دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.